

نقدی بر روش‌شناسی تحقیقات جغرافیایی توسعه شهری در ایران مورد: رساله‌های دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه‌های دولتی تهران

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۱، حسن بهنام‌مرشدی^{۲*}، الهه شاکری‌منصور^۳

۱. استاد، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس
۲. دانشجوی دکتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس
۳. دانشجوی دکتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت: ۹۵/۲/۵ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین عناصر راهبردی در تحقیقات علمی به کارگیری فرایند روش‌شناسی مناسب با مسأله پژوهش است. با توجه به این‌که توسعه شهری از حوزه‌های مهم تحقیقات جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است، واکاوی روش‌شناسی این تحقیقات در به کارگیری یک فرایند نظام‌مند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس واکاوی روش‌شناسی پژوهش‌های علمی همراه با رهیافت انتقادی و با ارزیابی ملاک‌های روش‌شناسی پژوهش (فرایند انجام پژوهش) هدف این تحقیق محسوب می‌شود. این پژوهش از نظر روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای (چک‌لیست بیانیه پریزما) و شیوه خبره محور است. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۶ مورد از رساله‌های رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه‌های دولتی تهران در زمینه توسعه شهری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فرایند روش‌شناسی پژوهش با توجه به نظر کارشناسان به ترتیب شاخص‌های بیان مسأله، پرسش‌های پژوهش و روش‌شناسی اهمیت بیشتری داشته و در اولویت‌های نخست قرار دارند، در صورتی که رساله‌های مورد بررسی از این حیث دچار کاستی بوده و موارد دیگری از جمله شاخص‌های منابع، تبیین هدف و آیین نگارش نمره بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی: نقد، روش‌شناسی، توسعه شهری، رساله دکتری، بیانیه پریزما.



مقدمه

شهر به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و پویا که درگذر زمان همواره دچار تحولاتی کالبدی، اجتماعی- سیاسی و فرهنگی- اقتصادی می‌شود. چنین تحولات وسیعی متأثر از رشد گسترده جمعیت شهری است؛ چنان که رشد و توسعه شتابان و ناهمگون شهرنشینی یکی از مهم‌ترین مشکلات به وجود آمده در کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم بوده است (حاتمی‌نژاد و فرجی‌ملائی، ۱۳۹۰). رشد بی‌رویه و افزایش مهاجرت به شهرها منجر به توسعه غیرقابل کنترل نواحی شهری، خلق سکونت‌گاه‌های جدید، کاهش نرخ رفاه انسانی و ساخت و سازهای بدون برنامه، گسترش مهارنشده و بروز تغییرات فراوان در ساختار فضایی شهرها و گستردگی شهرها شده است (گارسیا پالمارس^۱، ۱۹۷:۲۰۱۰؛ ارتگا^۲ و همکاران، ۲۰۱۱) که این عوامل همراه با برنامه‌ریزی و مدیریت بخشی و ناهماهنگی طرح‌های شهری با برنامه‌های عمرانی، ایجاد طرح در فضای آرمانی و دور از واقعیت، کم توجهی به شرایط خاص و عملکرد غالب هر شهر و نبود پایش مدون از مهم‌ترین مسائل نظام برنامه‌ریزی شهری کنونی کشور ایران است. این مسائل نتیجه نگاه بالا به پایین است که به عنوان رویکرد غالب در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران منجر به تهیه طرح‌ها برای شهروندان و نه با شهروندان می‌شود (جهانی‌شکيب و همکاران، ۱۳۹۳)، در واقع می‌توان گفت بسیاری از مشکلات در برنامه‌ریزی‌های غالب استفاده نامناسب از مفهوم فضا و برنامه‌ریزی است (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۲۷:۱۳۹۳). چنین مشکلاتی منجر به شکل‌گیری مسأله‌ای برای برنامه‌ریزان مختلف شهری شده است، به گونه‌ای که مشکلات یادشده امروزه زمینه مطالعه جدی جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان شهری را فراهم کرده است. پژوهش‌های بسیاری در این حوزه در دانشگاه‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها از جمله در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری شده، همچنین توجه بسیاری از استادان و دانشجویان را به خود جلب کرده که شمار بسیاری از مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در این زمینه گویای اهمیت موضوع است.

در این چارچوب نقد علمی یکی از راهبردی‌ترین محرک‌ها و راه‌های اعتلای آگاهی علمی است. نقد علمی سنجش دقیق شناخت و آگاهی موجود علمی است که براساس معیارهای تعمیم یافته منطقی صورت می‌گیرد (ارشاد، ۱۳۸۷). واژه نقد و نقد کردن در تداول امروز در یک مفهوم کلی به معنای داوری و ارزیابی درباره اعمال، افکار و آثار دیگران است. یعنی از جنبه مفهومی آن نوعی محک، معیار، اندازه‌گیری و سنجش اندیشه و نوعی غربال کردن، از صافی گذراندن و نشان

1. Garcia-Palomares
2. Ortega

دادن نقاط ضعف و قوت یا آشکار کردن قوت‌ها و موارد پنهان است؛ یا فرایند تعیین نقاط ضعف و قوت و یا تحلیل هنجارها که سبب پیشرفت، اصلاح و حرکت رو به جلوی (کمال) پژوهش می‌شود.

کشف هنجارها، قانونمندی‌های تدوین و طبقه‌بندی آن‌ها با رویکرد حل مسأله به منظور اثربخشی بیشتر نتایج و دستاوردهای پژوهش است. با این توصیف نقد یک تفکر، روش و مهارت است. استدلال کردن، آفرینش و تولید، آزمون پرسش‌ها، بینش، احساس کردن و وزن‌گذاری به پژوهش از عناصر راهبردی در تفکر انتقادی است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۵۷۱-۵۷۲).

سنجش و ارزیابی دقیق و علمی درباره آثار و دستاوردهای علمی نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان در تمامی حوزه‌های دانش بشری از موارد مورد انتظار از نقد است. یک اثر به کمک نقد اعتبار می‌یابد و نقاط ضعف و قوت آن روشن و موجب اصلاح مداوم الگوهای دانش بشری می‌شود (محمدنژادشورکایی و همکاران، ۱۳۹۰). تنظیم معیارها (استانداردها)، تنظیم عناصر استدلال و نقد، توسعه ویژگی‌های روشن‌فکرانه یا آشکارکننده با به کارگیری معیار در عناصر استدلال به عنوان شیوه نقد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با توجه به ضرورت نقد آثار علمی این پرسش مطرح می‌شود که آثار علمی منتشر شده در قالب رساله دکتری در محافل علمی دانشگاهی ایران به چه میزان نیازمند به نقد موشکافانه ازجمله روش‌شناسی است؟

چارچوب نظری

از آن‌جا که شواهد بیانگر این است که فرایند رساله‌نویسی در بیشتر گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های ایران دچار کاستی‌های کیفی روش‌شناختی است، ضرورت دارد هر فرد به میزان نقش خود در این خصوص گامی مناسب در راستای کاهش آن بردارد. یکی از کاستی‌های این زمینه ناآشنایی یا کم توجهی محققان با فلسفه و فنون روش تحقیق یا روش‌شناسی رساله‌هاست (خاکی، ۱۳۸۸). این مقاله با توجه به چک‌لیست ۲۷ موردی بیانیه پریزما^۱ که در سال ۲۰۰۹ توسط گروهی از دانشمندان متخصص منتشر شده پیش می‌رود، همچنین افزون بر فراتحلیل‌ها، چگونگی گزارش استاندارد مطالعات منظم و همچنین چگونگی نگارش عنوان، خلاصه، روش‌ها، نتایج، بحث و حتی منبع تأمین‌کننده بودجه مطالعه مورد پرسش (لیبراتی^۲ و همکاران، ۲۰۰۹)

-
1. PRISMA Statement (Performed Reporting Items for Systematic reviews and Meta-analyses)
 2. Liberati



و مبنای کار قرار گرفت تا با بومی‌سازی آن (چک‌لیست) بتوان روش‌شناسی رساله‌های دکتری دانشگاه‌های دولتی تهران (تهران، تربیت مدرس و خوارزمی) را مورد نقد روش‌شناسی قرار داد. چنین ملاکی می‌تواند برای ارزیابی روش‌شناسی پژوهش‌های علوم اجتماعی به طور عام و در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به طور خاص مورد استفاده قرار گیرد، تا حد ممکن می‌تواند داوری‌ها را بر اصولی استوار سازد و از ذهن‌گرایی و سلیقه‌محوری جلوگیری کند. آن‌چه در روش‌شناسی مقاله پیش‌تر مورد توجه قرار دارد مفاهیمی مانند روش‌شناسی، نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش (هاردینگز^۱، ۱۹۸۷)، تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا در رویکردی خاص به پژوهش (Schwandt, 2001) است.

واکاوی ادبیات نقد علمی روش‌شناسی در ایران نشانگر این است که ورود به این حوزه از اولویت بالایی در پژوهش‌های علمی در ایرن برخوردار نیست، بر این اساس به بیان چند مورد از پژوهش‌هایی که در این راستا انجام شده بسنده می‌شود. افتخاری (۱۳۸۵) در پژوهش خود به واکاوی روش‌شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی پرداخته است و قواعد و اصول بنیادی پژوهش علمی را بیان می‌کند به امید این‌که به عنوان ملاکی در داوری‌های علمی قرار گیرد. ایشان بیان می‌کند که درباره روش علمی اختلاف نظر بسیار وجود دارد، ولی اصول بنیادی آن چون مشاهده واقعیت، تلاش برای فهم آن، گردآوری داده‌ها و ارزیابی نتیجه این تلاش عملاً در هر پژوهشی رعایت می‌شود و بدین ترتیب دست‌کم عامل مشترکی است که می‌تواند به عنوان ملاک داوری کاربرد داشته باشد و هدف اصلی پژوهش را برآورده سازد. محمدنژادشورکایی و همکاران (۱۳۹۰) با فراروش پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی تهران را مطالعه کرده و بیان می‌کنند که یکی از چالش‌های تحقیقات مدیریت، چالش روش‌شناسی انجام پژوهش در این زمینه است و با این هدف با استفاده از روش‌شناسی فراروش به نقد و آسیب‌شناسی این پژوهش‌ها می‌پردازند. یاری‌دهنوی و حاتمی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی به تبیین و نقد پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه آموزش فلسفه به کودکان به بررسی انتقادی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که نداشتن روش پژوهش ساختارمند ضعف جدی بخش پیشینه پژوهش، نبود اطلاع کافی از پژوهش‌های انجام‌شده، رعایت نکردن پاراگراف‌بندی منسجم و علمی در نگارش، نبود ارتباط ارگانیک میان پژوهش‌ها و انجام پژوهش‌های مشابه و تکراری، ضعف در نقدها و غیره به همراه ترسیم برخی از زوایای ناکاویده این برنامه در ایران را از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش خود معرفی کرده‌اند.

پیشینه نشان داد که شکاف در فرایند تحقیق علمی در حوزه‌های واکاوی شده وجود دارد. کاهش این شکاف را در فرایند تحقیق علمی می‌توان با سه گام راهبردی برداشت. نخستین گام طرح پرسش نخستین (آغازین) است که از ویژگی‌هایی چون یافتن پاسخ از دانش موجود برای تأیید، اصلاح و تبدیل پرسش آغازین به پرسش علمی است. این فرایند از دانش علمی سرچشمه می‌گیرد و از ذهن پویا، فعال و اشراف به دستاوردهای نظری و تجربی در یک حوزه شناختی- برنامه‌ریزی شکل می‌گیرد. به سخن دیگر تحقیقات پیشین و نظریه‌ها پهنه‌ای به سوی جهان تجربی می‌گشایند تا به وسیله مسائل را نگاه و واکاوی کرده و واقعیات را درک کنند، با چنین فرایندی است که پرسش علمی شکل می‌گیرد.

گام دوم صورت‌بندی مسأله است که ایده، تردید با ژرف‌کاوی و رویکرد انتقادی ادبیات علمی مسأله را که ریشه در دانش علمی دارد، مطرح کرده و می‌پروراند تا به مسأله علمی تحقیقی که محدود، روشن، با قلمرو معین و قابل اجراست، تبدیل شود.

به سخن دیگر تردید، مانع یا موقعیت نااطمینان براساس مشاهده نخستین و مطالعات و تجربه علمی تشخیص داده می‌شود و توجه کنجکاوانه محقق را به خود جلب می‌کند. از این‌رو با توجه به تجربه اندوخته محقق تلاش می‌کند که مسأله صورت‌بندی شود و سپس با واکاوی و مطالعه تجربی دیگران و خود با ذهن خلاق، تفکر و مشاهدات مقدماتی سازمان‌یافته به دانش علمی اندوخته مرتبط با پرسش مراجعه می‌کند و بدین ترتیب چارچوب نظری مناسب برای پرسش آغازین می‌یابد. با قرار دادن پرسش در چارچوب به یک مسأله تحقیقی می‌رسد و این مسأله را به فرضیه(ها) یا مدل‌های آزمودنی از طریق استدلال قیاسی تبدیل می‌کند یا راه‌حل مسأله را می‌یابد.

گام سوم تجربی علمی است که با ترسیم چارچوب نظری و فرضیه‌ها، اعتبارسنجی ادعا مطرح است، که این فرایند را سطح تجربی گویند.

در واقع علم جغرافیا و برنامه‌ریزی از دو سطح برخوردار است چرا که از یک سو علم تجربی و از سوی دیگر علم نظری است. فرایند درگیری برنامه‌ریزی شده در سطح تجربه علمی با واقعیت مطرح است تا گردآوری داده‌های مرتبط با مسأله و فرضیه تحقیقی صورت پذیرد و آزمون فرضیه(ها) در مورد پدیده‌های تجربی و روابط بین آن‌ها صورت پذیرد. این سطح از فرایند تحقیق تکرارپذیر بوده و در صورت تغییر نیافتن واقعیت با شیوه برخورد مشابه می‌توان به نتایج مشابه دست یافت (افتخاری، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۳۲). با این توصیف می‌توان تجربه علمی (سطح تجربی) را وسیله دانست و نه هدف. به سخن دیگر هر تحقیق علمی از دو سطح نظری (فرضیه/ مفهوم) و سطح تجربی برخوردار است.



طرح پرسش در مورد پدیده‌های آن در سطح نظری (فرضیه/ مفهوم) به صورت ذهنی، مشاهده نخستین و رجوع به نوشته‌های علمی و تبدیل پرسش نخستین به پرسش علمی، صورت‌بندی کردن آن‌ها و ارائه مسأله به صورت ادعای روشن (فرضیه‌سازی) یا روشن و دقیق کردن پرسش در پژوهش‌های کیفی مطرح می‌شود. در سطح تجربی به یافتن شواهد در ارتباط با ادعای روشن (فرضیه/ مفهوم)، تحلیل شواهد و تقویت، اصلاح یا ابطال/ رد ادعا (فرضیه/ مفهوم) پاسخ داده می‌شود. می‌توان بیان داشت آن‌چه از رساله‌های دکتری علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری انتظار می‌رود انجام فرایند قاعده‌سازی علمی است. این قاعده‌سازی می‌تواند در مقیاس‌های مختلف (کوچک، متوسط و بزرگ) باشد. افزون بر آزمون شواهد تجربی با راست‌آزمایی نیز می‌تواند به تأیید خبرگان در مورد داشتن توجیه، بیان، تفسیر و اصول قاعده حاکم در آن برسد. در چنین فرایندی قاعده به عنوان اندیشه پژوهش (پارادایم، رهیافت، نظریه و مدل) یا دکترین پذیرفته می‌شود.

با این توصیف در ادامه، نقد بر مبنای فرایند، اصول و گام‌های راهبردی پژوهش بدین‌سان مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. عنوان

عنوان نخستین قسمت یک پژوهش است که توسط خوانندگان رؤیت و منجر به تصمیم‌گیری در مورد ادامه خواندن قسمت‌های پسین پژوهش می‌شود. این عنصر مهم‌ترین عبارت یا جمله یک پژوهش است (بردان^۱ و ون روی^۲، ۲۰۰۶) (& 2006) و در برگیرنده کید واژگان است، روشن و جذاب بوده و تا حد امکان به صورت گزاره کوتاه نوشته می‌شود. عنوان پژوهش در خوانندگان این انتظار را ایجاد می‌کند که متن پژوهش چه می‌گوید؛ بنابراین عنوان به درستی معرف محتوای پژوهش است. عنوان می‌تواند به صورت عبارت، جمله خبری و یا جمله پرسشی نوشته شود (لمبرت^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عنوان به شرح ۱۲ مورد زیر است. ۱- نشان‌دهنده مسأله پژوهش؛ ۲- منعکس‌کننده محتوای آن؛ ۳- آزمون‌پذیری؛ ۴- نشانگر ماهیت کار تحقیقی پژوهش؛ ۵- توصیف‌کننده، اطلاع‌دهنده، مشخص و دقیق و روشن بودن؛ ۶- به آسانی قابل‌درک بودن؛ ۷- پرهیز از اختصارات مبهم؛ ۸- به کار نبردن کلمات غیرمرتبط؛ ۹- استفاده از صفت و موصوف‌های لازم و گویا؛ ۱۰- جذاب برای مخاطب؛ ۱۱- استفاده از صفت و موصوف‌های لازم و گویا؛ ۱۲- کلی و روزنامه‌ای نبودن.

1. Bredan
2. Van Roy
3. Lambert

۲. بیان مسأله

تحقیق زمانی می‌تواند به درستی آغاز شود که دغدغه علمی به شکل مسأله تحقیق درآمده و به صورت یک بیانیه مسأله مطرح باشد (خنifer، ۱۳۸۶). تبیین دقیق و روشن مسأله‌ای که انگیزه اصلی واکاوی یک پژوهش و اجرای طرح پژوهشی مورد نظر است اهمیت ویژه‌ای دارد. موفقیت در چگونگی بیان مسأله به موفقیت پژوهش کمک می‌کند و بی‌توجهی به آن نیز رغبت خواننده را در ادامه مطالعه پژوهش کاهش خواهد داد. در بیان مسأله موضوعی که زمینه‌ساز پژوهش شده است، همراه با ابعاد و جوانب آن به روشنی درسطوح جهانی، ملی و موردی به اختصار تبیین می‌شود (موسی‌پور و علوی، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۶). در واقع بیان مسأله شامل درخت مسأله می‌شود (برداج^۱، ۱۹۸۹) تا خوانندگان را با موضع پژوهش آشنا کند و اطلاعات مهم برای درک باقی پژوهش را در اختیار آنان قرار دهد. این بخش ضرورت دارد بتواند داوران و خوانندگان را درخصوص اشراف و تسلط نویسنده (گان) به موضوع و درستی طرح پرسش نخستین پژوهش قانع کند (McGaghie & et al., 2001). از مهم‌ترین ویژگی‌های یک مسأله تحقیق می‌توان به گویا، روشن و محدود بودن آن اشاره کرد، یعنی رعایت اصل تحدید (محدودسازی) مسأله، قابلیت هدایت محقق به سمت دقیق کردن پرسش، حرکت برای فرضیه‌سازی، دوری از حالت پیش‌بینی کلی، بیان روزنامه‌ای و ادعاهای غیرقابل بررسی را داشته باشد (خنifer، ۱۳۸۶). در این چارچوب مهم‌ترین شاخص ارزیابی بیان مسأله را می‌توان در تبیین علمی شدن مسأله، توجه به ارتباط مسأله با عنوان تحقیق، رعایت جوانب پرسش‌برانگیز موضوع، مشخص کردن جغرافیای مسأله (حدود مسأله) و محدود کردن حول محور یک پژوهش مستقل در حوزه تخصصی، شکاف علمی در حوزه مربوط، قلمرو پژوهش، رویکرد اصلی تحقیق، تبدیل روشن دغدغه علمی به مسأله اصلی و مسأله به پرسش نخستین با ادبیات روان و رسا برشمرد. با توجه به اهمیت این مبحث می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی بیان مسأله را به ترتیب به شرح زیر بیان کرد. ۱- تبیین شکاف علمی در حوزه مربوطه؛ ۲- بیان دغدغه علمی به مسأله اصلی پژوهش؛ ۳- منجر شدن خروجی مسأله به پرسش نخستین پژوهش؛ ۴- توجه به علمی شدن مسأله؛ ۵- توجه به جوانب پرسش‌برانگیز موضوع؛ ۶- تبیین کردن قلمرو پژوهش؛ ۷- اشاره به رویکرد اصلی پژوهش؛ ۸- رعایت ارتباط مسأله با عنوان تحقیق؛ ۹- ایجاد آگاهی کامل برای خواننده؛ ۱۰- تبیین جغرافیای مسأله (حدود مسأله) در حوزه مربوطه؛ ۱۱- حول محور یک پژوهش مستقل بودن مسأله پژوهش؛ ۱۲- پیوندی با مسائل جاری حوزه موضوعی پژوهش؛ ۱۳- بیان مسأله در یک حوزه تخصصی؛ ۱۴- لحاظ کردن ایجاز و صراحت لازم در بیان مسأله؛ ۱۵- پرهیز از پیش‌بینی‌های کلی.



۳. پیشینه پژوهش

هر پژوهشی متکی به پژوهش‌ها و آثار پیش از خود است. تهیه و تدوین پیشینه پژوهش یکی از مراحل راهبردی در انجام یک پژوهش علمی است که نیاز به مهارت خاص دارد؛ از مهم‌ترین اهداف پیشینه می‌توان به شناسایی منابع با لزوم به واکاوی و نقد نام برد. بدین‌سان که چگونگی مطالعه و یادداشت‌برداری نکات مهم در تدوین ساختار مناسب برای مشخص کردن درجه شکاف مسأله، تبدیل پرسش نخستین به پرسش اصلی، آگاهی از روش‌شناسی به کار گرفته شده، چگونگی نقل قول و استناد، شیوه جمع‌بندی و استنتاج از نتایج یافته‌ها برای انتخاب روش‌شناسی مناسب با مسأله است. در این چارچوب کریشنان کومار (۳۴:۱۳۷۴) معتقد است که نوشتن پیشینه پژوهش در دو مرحله باید انجام شود: نخست نگاه انتقادی بر مطالعات گذشته جهت آشنایی با آراء و دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و نظریه‌های پیشگامان انجام می‌گیرد و در مرحله پسین با واکاوی عمیق برای کسب دانش درباره نتایج پژوهش‌ها، شیوه‌های گردآوری داده‌ها، فنون و ابزار تحلیل و تفسیر داده‌ها انجام می‌شود. با توجه به اهدافی که برای «واکاوی نوشتارها و پیشینه پژوهش» برشمرده شد می‌توان چارچوب و مراحل مشخصی را برای انجام آن در نظر گرفت. چارچوب راهبردی شامل چهار مرحله زیر است. ۱- سازمان‌دهی اطلاعات گردآوری‌شده براساس مسأله و پرسش نخستین؛ ۲- ارائه نتایج به صورت فشرده؛ ۳- شناسایی نکات متضاد در پژوهش‌های دیگر و تعیین شکاف؛ ۴- ارائه پرسش برای انجام تحقیقات بیشتر (نوشتن مرور ادبیات^۱، ۲۰۰۰: ۱). پرسش‌های پژوهش، متناسب مسأله و عنوان پژوهش مورد مطالعه، پوشش‌دهنده مسأله، و برآمده از مسأله باشند و همچنین برخورداری از انسجام و ارتباط لازم بین پرسش‌ها و اهداف و همچنین شفاف و قابل فهم و قابل تبدیل به فرضیه، را در برداشته باشند. بر همین اساس می‌توان در ارزیابی شاخص‌های پیشینه به موارد زیر اشاره کرد: ۱- ترسیم روشن پیوند موضوع پژوهش باسابقه پژوهشی آن؛ ۲- نگاه انتقادی در تدوین پیشینه پژوهش؛ ۳- رعایت فرایند تبدیل سؤال نخستین به سؤال علمی؛ ۴- منجر شدن خروجی پیشینه به دقیق کردن سؤالات و علمی کردن آن‌ها؛ ۵- دستیابی به چارچوب نظری و یا تجربی؛ ۶- مورد استناد قرارگرفتن فرایند استفاده از منابع اصلی به صورت ترتیبی از مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و کتاب در موضوع تحقیق؛ ۷- برقراری ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش‌های قبلی با مسأله تحقیق، ۸. ارائه نتایج مطالعات قبلی و نقد آن‌ها و مشخص کردن شکاف بین آن‌ها، ۹. مورد توجه قرارگرفتن جامعیت و کفایت پیشینه موضوع، ۱۰. انتخاب منابع اطلاعاتی مرتبط با مسأله تحقیق به‌صورت کامل، ۱۱. آشنایی با روش‌های تحقیق مورد استفاده در پژوهش‌های گذشته، ۱۲. رعایت

ارائه مطالب از کلی به جزئی، ۱۳. تحت پوشش قرار دادن یافته‌های بین‌المللی روزآمد تنظیم، ۱۴. تنظیم مطالب به‌طور سازمان‌دهی شده همراه با روندهای منطقی، ۱۵. انسجام لازم در منابع مورد استناد در پیشینه پژوهش وجود دارد، ۱۶. اجتناب از بیان مطالب به‌طور مجرد و بدون رابطه با یکدیگر، ۱۷. طرح سابقه بر اساس یک نظم زمانی/دیدگاهی/یا مکتب، ۱۸. رعایت روند سیر تحقیق، ۱۹. مشخص کردن محدوده زمانی موردبررسی و ۲۰. خودداری از طرح مطالب شخصی و تعصب‌آمیز.

۵. پرسش / پرسش‌های پژوهش

هر پژوهشی درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که متناسب با هدف باشد. در این راستا مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی پرسش‌های تحقیق عبارتند از: ۱. قابلیت تبدیل سوالات تحقیق به فرضیه، ۲. متناسب بودن با مسأله مورد بررسی، ۳. وجود انسجام لازم بین پرسش‌ها و اهداف پژوهش، ۴. تبیین رابطه بین مفاهیم راهبردی مسأله، ۵. توجه به‌عنوان پژوهش در طراحی پرسش‌ها، ۶. رعایت ارتباط بین سوالات و تحت پوشش قرار دادن مسأله، ۷. متناسب بودن با پیشینه پژوهش، ۸. شفاف و قابل فهم بودن، ۹. تدوین درست فرضیه‌ها در پاسخ به سوالات پژوهش، ۱۰. مرتبط بودن پرسش‌ها با چارچوب نظری تحقیق، ۱۲. آزمون‌پذیر بودن.

۶. چارچوب نظری و مدل مفهومی / منطقی / تحلیلی

چارچوب نظری که بیانگر نوع نگاه پژوهشگر به ماهیت جامعه، انسان و سکونتگاه است، دربردارنده فواید متعددی در روند پژوهش است؛ فوایدی چون شفاف‌سازی مسأله تحقیق و ابعاد آن، پرتوافکنی به ماهیت حیات‌اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی-کالبدی و عوامل مؤثر به‌منظور شناخت و تحلیل این پدیده‌ها و ارائه الگویی منسجم به‌منظور چگونگی تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده است (دشتی، ۱۳۸۹). همچنین مبنایی است که پژوهشگر بر اساس آن درباره روابط بین عواملی که در ایجاد مسأله مهم تشخیص داده است نظریه‌پردازی می‌کند و به تبیین رابطه بین مفاهیم، متغیرهای مستقل، وابسته، مداخله‌گر و تعدیل‌گر می‌پردازد. بعد از شناسایی مفاهیم، متغیرهای مناسب، شبکه ارتباطات بین مفاهیم، متغیرها به درستی بنا می‌شود، به نحوی که بتوان فرضیه‌های مربوط را ایجاد و مورد آزمون قرار داد. در این چارچوب، فرضیه‌سازی و فرضیه‌پردازی، بدین‌سان است که پس از نظریه‌پردازی و یافتن متغیرهای (مفاهیم) راهبردی و ارتباط آنها در یک چارچوب نظری که با استدلال منطقی همراه است (افتخاری، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۳۲)، این پرسش راهبردی مطرح می‌شود که این روابط بر پایه کدام نظریه‌ی معین بیان شده



و به چه میزانی از واقعیت برخوردار هستند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت فرضیه تئوریک را که در آن رابطه مفاهیم کلیدی (راهبردی) براساس چارچوب نظریه‌ای به دست آمده است به فرضیه آزمون‌پذیر که به صورت جمله یا گزاره‌ای آزمون‌پذیر در آمده است و در آن مفاهیم، تبدیل به متغیرها شده و به صورت عالمانه در آمده، که همان یک پیشنهاد و راه‌حل مسأله و دکترین است. این فرایند موجب می‌شود تا مجدداً به گردآوری اطلاعات بیشتر و معتبری در مورد روابط میان متغیر/ پژوهش‌ها پرداخته با تحلیل و آزمون این روابط از طریق تحلیل‌های آماری یا تحلیل حالت منفی در پژوهش‌های کیفی به نتایج آزمون‌ها و رهنمودهایی که وضعیت موجود پژوهش را تغییر می‌دهد، مسأله حل شود. ترسیم این فرایند را فرضیه‌سازی می‌گویند.

این فرایند به دو صورت استنتاج قیاسی (با استفاده از مدل، فرمول‌بندی فرضیه‌ها براساس مشاهده و ادبیات موضوع، گردآوری داده‌های بیشتر و نهایت آزمون فرضیه‌ها) یا استنتاج استقرایی (مشاهده، گردآوری داده‌ها، تنظیم فرضیه‌های جدید، و نهایت آزمون فرضیه‌ها) بدست می‌آید. در روش دوم فرضیه‌های شکل گرفته اصولاً جدید بوده و بیشتر آنها آزمون نشده است و این بینش خلاق است که آن را شکل داده است و در صورت آزمون و تأیید شدن آن، بر دامنه دانش افزوده و به ایجاد نظریه و همچنین ارزش مدل مفهومی یا چارچوب نظری می‌افزاید و سرانجام به شناخت بهتر و کامل یک وضعیت کمک می‌کند.

از نظر روش تحقیق، پس از تبیین مشروح و شفاف چارچوب نظری، مسأله تحقیق و حک و اصلاح آن، پژوهشگر باید بر اساس چارچوب نظری انتخابی و فرضیه‌های تحقیق «مدل تحلیلی»، تحقیق خود را تبیین کند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۱۰۳). از این رو، گفته شده است: طرح نظری (چارچوب نظری) مسأله تحقیق، مدل تحلیلی، مفاهیم و فرضیه‌ها از یکدیگر جدانشدنی‌اند (همان، ص ۱۳۲). مدل تحلیلی یا مدل مفهومی عبارت است از: تعریف دقیق مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع و مسأله تحقیق (همان، ص ۱۰۳) و تطبیق اصول چارچوب نظری بر موضوع و مسأله مورد پژوهش و ابعاد و زوایا و فرضیه‌های آن با توجه به واقعیت‌ها و حقایق عینی و خارجی و اسناد و داده‌های پژوهشی. مدل تحلیلی، ارائه شمایی است کلی و مختصر و در عین حال مستند از مباحثی که به‌طور مفصل طی فصول تحقیق ارائه می‌شود (همان، ص ۱۳۲ و دشتی، ۱۳۸۹). بر همین اساس مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی چارچوب نظری و مدل مفهومی به ترتیب عبارت‌اند از: ۱. پارادایم‌ها، رهیافت‌ها، نظریه‌ها و الگوها و مدل‌های مرتبط تفسیرکننده سؤالات، موردنقد قرار داده‌شده و با استدلال بیان شده است، ۲. منجر شدن خروجی چارچوب نظری به فرضیه‌ها، ۳. ارائه درست نمودار شماتیک چارچوب نظری (مدل تحلیلی/ مفهومی/ منطقی)، ۴. پاسخ به این سؤال که چرا انتظار داریم این روابط وجود داشته باشد، ۵. بیان کردن ماهیت روابط

بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیقات قبلی به صورت نظری، ۶. بیان چگونگی ارتباط مفاهیم با یکدیگر و ۷. شناسایی و نام‌گذاری روشن مفاهیم راهبردی مورد بحث مربوط به تحقیق.

۷. تشریح روش‌شناسی مورد استفاده و تبیین راهبرد پژوهش

اجرای هر طرح پژوهشی مستلزم به‌کارگیری یک روش‌شناسی مناسب است که پژوهشگر را به اجرای طرح مورد نظر و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش قادر می‌سازد. معمولاً در هر رشته‌ای روش‌های متعددی وجود دارد که برخی از آن‌ها مقبولیت و عمومیت بیشتری دارند و در اغلب تحقیقات آن رشته مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته معیار گزینش یک روش قبل از هر چیز به تناسب آن با پرسش‌ها و اهداف پژوهش بستگی دارد. درواقع این پرسش‌ها هدف و فرضیه‌های پژوهش می‌باشند که نوع روش را تعیین می‌کند. باین‌حال، توانایی پژوهشگر در بیان دلایل انتخاب روش خود، و دفاع از آن، کاملاً اهمیت دارد؛ بنابراین، تبیین دقیق روش مورد استفاده و دلایل انتخاب آن از ویژگی‌های مهم هر پژوهش علمی محسوب می‌شود (منصوریان، ۱۳۸۸). به سخن دیگر واکاوی و تحلیل داده‌ها، شیوه‌های خاص نقادی، و تطبیق عام‌تئوری در هر یک از فنون ویژه علمی، وظیفه شاخه‌ای از فلسفه علم است که «روش‌شناسی» خوانده می‌شود. لذا؛ وجود روش خاص برای هر فن، و حتی بودن روش‌های مختلف در ادوار مختلف تاریخ یک فن، در این تلقی از «روش‌شناسی» می‌گنجد.

درواقع روش‌شناسی، مطالعه منظم، منطقی و اصولی است که جستجوی علمی را راهبری می‌کند. از این دیدگاه، روش‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علم است. اگر از دیدگاه‌های مختلف بگذریم، روش‌شناسی (فارغ از ابعاد فلسفی آن) به مجموعه‌ای بهم پیوسته از قواعد، اصول و شیوه‌های معمول در یک رشته از دانش گفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت آن اتخاذ روش علمی است که تنها راه دستیابی به دستاوردهای قابل قبول و علمی در آن مطرح است. از این‌رو دستیابی به هدف‌های تحقیق (یعنی نظریه‌سازی) میسر نخواهد بود مگر زمانی که جستجوی شناخت با روش‌شناسی درست صورت پذیرد. روش‌شناسی را می‌توان از چند دیدگاه مدنظر قرار داد:

در این بخش راهبردهای تحلیل با دو روش علمی همراه است، که به تأیید نظریه (فرضیه‌ها) یا روشن کردن و دقیق کردن و تفسیر پرسش‌ها پرداخته می‌شود. راهبرد نخست به شیوه قیاسی^۱ و دوم به شیوه استقرائی^۲ است. در راهبرد نخست استفاده از نظام مقوله‌ای قیاسی، پژوهش‌گر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع تحقیق به مطالعه متون (دیداری، شنیداری

1. Deduction
2. Induction



و گفتاری) تعیین شده می‌پردازد و با مقایسه‌ی تعریف از پیش تعیین شده و متن‌های مورد تحلیل به داوری درباره وجود یا نبود مصادیق آن تعریف در متن مورد نظر می‌پردازد. در راهبرد دوم که گسترش نظام مقوله‌ای استقرایی مطرح است، محقق قبل از شروع تحقیق هیچ‌گونه تعریف یا تعمیمی را مفروض نمی‌گیرد و به مطالعه متن (دیداری، شنیداری و گفتاری) می‌پردازد و هر آن‌چه را که حاصل این تحلیل است به عنوان جمع‌بندی ارائه می‌دهد. این روش در هر دو تحلیل (کمی و کیفی) مربوط به رویکردهای روش‌شناسی، بویژه در دوره پست‌مدرن از تحقیقات علوم است و متأثر از واقعیت‌ها، ذهنیت‌ها، پیش‌دانسته‌ها و داوری‌های فرد محقق نیز می‌باشد (افتخاری، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۳۲).

با این‌که روش قیاسی با تحقیقات کمی مناسبت بیشتری دارد، روش تحلیل استقرایی عمدتاً اما نه کاملاً با روش کیفی سنخیت دارد، بویژه از آنجا که در روش استقرایی "نظریه مبنایی" نظریه از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود. البته خود مبدعان این روش در اصل سه جنبه تحقیق و تفحص (قیاسی، استقراء و آزمون) را در تحقیق کاملاً ضروری دانسته‌اند. به این ترتیب، منظور داشتن همه اشکال راهبرد تبیین در تجزیه و تحلیل ضروری است. چه فرضیه‌هایی که از طریق منطقی به آنها رسیده یا از طریق داده‌ها در طول بررسی حاصل شده باشد. از این‌رو، صرف‌نظر از این‌که چنین روشی را متفکران مختلف چه نامیده‌اند، اصل قضیه این است که روش استقراء و قیاس خالص وجود ندارد بلکه تحقیق، فعالیتی دیالکتیکی است که در ضمن آن محقق پیوسته بین این دو روش در رفت و آمد است و هر فعالیت، روی فعالیت بعدی اثر می‌گذارد. با این توصیف، از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی این بخش می‌توان به: ۱. توجه به حوزه‌های فکری (فلسفه تحقیق) مسلط بر علوم برنامه‌ریزی، ۲. توجه به رویکرد ترکیبی حاکم بر تحقیق در استفاده از آزمون فرضیات (توجه به به‌رویکرد کیفی و کمی حاکم بر تحقیق در استفاده از آزمون فرضیات، ۳. تبدیل مفاهیم به متغیر و عملیاتی کردن تعاریف، ۴. تناسب کارایی روش مورد استفاده با سؤال یا فرضیه پژوهش، ۵. انجام درست فرایند شاخص‌سازی و بومی کردن آن با دقت علمی و مستند، ۶. مشخص نمودن داده‌های عینی و ذهنی، کمی و کیفی/اولیه و ثانویه، ۷. ترسیم مدل/الگوی فرایند اجرایی تحقیق، ۸. ذکر دلایل انتخاب نکردن سایر روش‌های مشابه، ۹. آوردن شواهدی از به‌کارگیری این روش از سوی سایر پژوهشگران، ۱۰. تبیین و توصیف روش مطالعه به‌روشنی و ۱۱. ذکر دلایل انتخاب روش مورد استفاده، اشاره کرد.

۸. ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها

روش گردآوری و تحلیل داده‌ها فرصتی فراهم می‌آورد که ضمن آشنایی با روش پژوهش گزارش شده، از دلایل نتایج به‌دست‌آمده نیز آگاه شوند (موسی‌پور و علوی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۲). در این قسمت لازم است ابزارهای پژوهش بیان شوند و درباره آزمون‌ها و پرسشنامه به‌ویژه روایی^۱ و پایایی^۲ آن‌ها توضیحات لازم داده شود. در معرفی پرسش‌ها و آزمون‌ها، ذکر تعدادی سؤال یا ماده نمونه در متن پژوهش (در بخش روش‌ها) ضروری است (عابدسعیدی و علی‌اکبری، ۱۳۹۱). نکته راهبردی در فرایند تحلیل داده‌ها، عملیاتی کردن و قابل‌سنجش کردن مفاهیم است که با تعریف مفهوم آغاز و سپس با ساخت معرف‌ها و شاخص‌ها، این فرایند دنبال می‌شود. از این‌رو مفاهیم، مجموعه کاملی از رفتارها، نگرش‌ها، ویژگی‌ها و شرایط است که در زبان متخصصان، سیاست‌گذاران و مردم، وجه مشترکی پیدا کرده تا ارتباط، ارزیابی، کارایی و اثربخشی را محقق سازد.

اگر در فرایند تعریف مفهوم و تبدیل آن به معرف و شاخص، برداشت سلیقه‌ای از مفهوم و سردرگمی در مباحث علمی به ویژه تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، جای خود را به برداشت مشترک، اجماع نظر علمی و کارشناسی بدهد و ارتباطات، ارزیابی‌ها، کارایی‌ها و اثربخش‌ها را منعکس سازد، این فرایند را شاخص‌سازی گویند. بدین ترتیب باید گفت معرف‌سازی و شاخص‌سازی، فرایندی است که در یک نظام پژوهش، نخست، براساس یک نظام اطلاعاتی از گروه‌های هدف، ذینفع‌ها و ادبیات موضوع با توجه به شرایط محیطی گردآوری می‌شود. دوم با اولویت‌بندی نیازها، خواسته‌ها، ترجیحات و علایق گروه‌های هدف و ذینفع‌ها که در پرسش‌ها و فرضیه‌ها بروز یافته، تبدیل به تعداد شاخص کمی و کیفی اولویت‌دار و راهبردی می‌شوند. سوم با در نظر گرفتن اعتبار، عمومیت‌پذیری و سادگی، تناسب ضرورت‌های اطلاعاتی مهم و فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود و منابع و با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها در جذب اطلاعات، فراهم می‌شود تا با توانمندسازی، ظرفیت‌سازی فرایند پژوهش و افزایش مهارت‌های پژوهشگر کمک کند. بسخن دیگر معرف‌ها و شاخص‌ها؛ نخست به مثابه، زنگ خطر هوشمند در یک شرایط عادی زندگی، تعیین‌کننده و مشخص‌کننده اطلاعات لازم در قلمرو اهداف تعیین شده هستند. دوم به پژوهش در سرعت بخشی به دقت و عمل و ارزیابی به موقع از شرایط تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های پژوهش کمک می‌کنند، سوم، توصیف‌کننده شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی مکان‌های زیست در سطوح مختلف، بیان و ترسیم وضعیت، امکانات (توانایی‌ها)، تنگناها (محدودیت‌ها)، در مورد

1. Validity
2. Reliability



مسائل توسعه‌ای پژوهش، هستند. چهارم، ترسیم‌کننده روند اقدامات اجرایی و تصمیم و سیاست‌های اتخاذ شده به مثابه ابزار ارزیابی اقدام و مدیریتی پژوهش، بوده و کمک به روش‌شناختی و شفاف‌سازی اهداف و مجموعه اولویت‌ها به مثابه ابزار توضیح‌دهنده و تسهیل‌کننده تبدیل مفاهیم به واژه‌های تجربی و عملیاتی، افزایش آگاهی‌ها و اقدام برای حرکت در چهارچوب مفهوم (توسعه، برنامه و ...)، قلمداد می‌شوند. پنجم کمک به شناخت شکاف در داده‌های موجود و ایجاد و تقویت ساخت یک چهارچوب مفهومی برای جمع‌آوری داده‌ها، و فراهم کردن پیوند و ارتباط میان اجزای مختلف مفهوم به صورت یک نظام کامل و یکپارچه بشمار می‌روند.

بر همین اساس مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی ابزار و تحلیل داده‌ها عبارت‌اند از: ۱. استفاده از روش‌های معتبر برای سنجش میزان روایی و پایایی ابزار، ۲. همخوانی ابزار به کار گرفته‌شده با رویکرد حاکم بر تحقیق، ۳. معرفی روشن ابزار گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها، ۴. به‌کاربردن ابزار به‌درستی و در جای مناسب، ۵. تشریح دقیق مزایا و معایب ابزار بکار گرفته‌شده، ۶. ذکر نمونه‌هایی از کاربرد این ابزار در سایر پژوهش‌ها و ۷. مورد استفاده بودن متن پژوهش در زمینه راهنمایی برای استفاده خواننده.

۹. توصیف ویژگی‌های جامعه پژوهش و مشخصات نمونه گرفته‌شده از آن

لازم است در یک پژوهش علمی جامعه پژوهش و ویژگی‌های آن به‌دقت و درعین‌حال به‌اختصار معرفی شود. به‌ویژه مشخصاتی از این جامعه که مربوط به موضوع پژوهش است اهمیت شایان توجهی دارد. اگر این بخش از پژوهش به‌خوبی تبیین شود، به بسیاری از پرسش‌هایی که ممکن است در ذهن خوانندگان در خصوص دلایل انتخاب روش‌شناسی و چگونگی تحلیل داده‌ها شکل گیرد، به‌خوبی پاسخ داده خواهد شد (منصوریان، ۱۳۸۸). به همین منظور می‌توان از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی این بخش به این موارد اشاره کرد: ۱. معرفی دقیق جامعه آماری مورد مطالعه و ویژگی‌های آن، ۲. ذکر دلایل انتخاب جامعه پژوهش و ارتباط آن باهدف پژوهش، ۳. تشریح شیوه نمونه‌گیری و دلایل انتخاب این شیوه، ۴. تناسب شیوه نمونه‌گیری با روش‌شناسی پژوهش و ۵. تبیین چگونگی تعمیم بخشی نتایج حاصل از نمونه به جامعه.

۱۰. ارائه یافته‌های توصیفی و تحلیلی

هدف نگارش نتایج، پاسخگویی به سؤالات و فرضیه‌های تحقیق است ولی شرح یافته‌هایی را نیز شامل می‌شود که در فرضیات وجود نداشته و محقق ضمن اجرای پژوهش به آن‌ها دست‌یافته

است (عابدسعیدی و علی‌اکبری، ۱۳۹۱). یافته‌های ارائه‌شده در پژوهش ضرورت دارد مستند و به‌طور کامل متکی بر داده‌های گردآوری‌شده در همان پژوهش باشد. چنان‌چه قرار است مقایسه‌ای نیز میان یافته‌های پژوهش با آثار قبلی صورت پذیرد، این مقایسه پیشینه فقط باید با آثاری صورت گیرد که قبلاً در فصل مربوط به پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره‌شده است (منصوریان، ۱۳۸۹). نتایج بایستی به‌صورت واضح و بدون تفسیر نوشته شوند. نتایج را می‌توان به‌صورت متن، جداول، نمودار یا شکل یا ترکیبی از آن‌ها ارائه کرد (نکوئیان، ۱۳۹۰). همچنین در ضمن گزارش نتایج آزمون‌ها، که در آن فرضیه‌ها به تأیید رسیده است نیز ضرورت دارد. افزون براین باید در هر یک از آزمون‌های بکار گرفته شده، اطلاعاتی ازجمله آزمون‌های آماری، مقدار آزمون، درجه آزادی، سطح احتمال، ارزش آماری و جهت اثر؛ مورد توجه قرار بگیرد (عابدسعیدی و علی‌اکبری، ۱۳۹۱). از این رو برای دستیابی بهتر به یافته‌های پژوهش لزوم شاخص‌های زیر برای ارزیابی اهمیت می‌یابد: ۱. تأمین کردن دکترین رساله، ۲. جمع‌آوری یافته‌ها در جهت پاسخ به سؤالات، ۳. متناسب بودن با پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش، ۴. تبیین‌کننده مسأله پژوهش، ۵. رعایت یافته‌های ترکیبی به‌طور منطقی (از مهم‌ترین به کم‌اهمیت‌ترین، از ساده به پیچیده)، ۶. گویا و روشن بودن نمودارها و جداول‌ها و نقشه‌های ارائه‌شده، و ۷. توصیف و تبیین روشن نتایج و یافته‌های پژوهش.

۱۱. بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش، یافته‌های اصلی و اهمیت و معنی تلویحی آن‌ها بررسی می‌شوند، که شامل: مبانی نظری و عملی، یافته‌ها و روش‌شناسی است (Bordage, 1989). در این بخش، تمام اجزای گزارش تحقیق به هم ربط داده می‌شوند و محقق با ترکیب و پیوند بخش‌های مختلف، خواننده را به‌سوی یک نتیجه‌گیری کلی هدایت می‌کند؛ بنابراین لازم است شباهت‌ها و تفاوت‌های نتایج این پژوهش با پژوهش‌های قبلی روشن گردد و نیز معلوم شود که یافته‌های پژوهش، به روشن شدن مسأله موردبررسی و زمینه دانش چه کمکی کرده است؛ بنابراین توصیه می‌شود در این بخش، ضمن توضیح کوتاهی درباره مسأله پژوهش و بیان نتایج تحقیق، به تفسیر نتایج پرداخت. برای این کار باید این نتایج را با یافته‌های نتایج پیشین مقایسه کرد. آنگاه توضیح داد که پژوهش حاضر، به گسترش دانش زمینه موردنظر چه کمکی کرده است و در ضمن آن، کاربرد احتمالی آن را مشخص کرد و نقاط ضعف پژوهش را همراه با پیشنهادهایی برای پژوهشگرانی که در آینده می‌خواهند در این زمینه پژوهش، کار کنند، بیان کرد (سیف، ۱۳۷۵: ۳۳). معمولاً بحث با ذکر نتیجه‌گیری پژوهش پایان می‌یابد. در نتیجه‌گیری، ایده اصلی پژوهش به‌طور خلاصه تکرار



شده، ارزش و اهمیت و معنای یافته‌ها بازگو می‌گردد (هلمز^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). شاخص‌های زیر را می‌توان موارد ارزیابی شاخص مورد نظر نام برد که عبارتند از: ۱. رسیدن به مبانی نظری تحقیق (دکترین)، ۲. نگاه تحلیلی نویسنده در نتیجه‌گیری، ۳. وجود پیوند و انسجام لازم بین نتیجه پژوهش با یافته‌های آن، ۴. انجام درست جمع‌بندی و نتیجه‌گیری طرح نتایج مهم و پیامدهای آن‌ها، ۵. برقراری ارتباط بین نتایج و تحلیل‌ها، ۶. استخراج اصول، روابط و ارائه تعمیم‌های ممکن، ۷. ارائه و تحلیل درست مدل تئوری، ۸. مقایسه یافته‌های پژوهش با نتایج پژوهش‌های مشابه دیگر، ۹. مستدل و مستحکم بودن نتیجه‌گیری نویسنده به‌اندازه کافی، ۱۰. پیشنهاد طرح افق‌های تحقیقاتی برای ادامه و توسعه تحقیق، ۱۱. بیان کامل استثنایا و محدودیت‌ها و ۱۲. محقق شدن هدف‌های اصلی پژوهش در بخش نتیجه‌گیری.

۱۲. منابع مورد استفاده و گاهی ذکر منابعی برای مطالعه بیشتر

تمام منابعی که به نحوی در پژوهش استفاده شده‌اند باید با ذکر مشخصات کتابشناختی و بر اساس شیوه‌نامه مجله مورد نظر تدوین شوند (منصوریان، ۱۳۸۸). داشتن صداقت در استفاده و ذکر منابع خیلی مهم است. معمولاً محتوای پژوهش نشان می‌دهد که آیا نویسنده واقعاً منابع ذکر شده را خوانده و فهمیده است (Bordage, 1989). لازم است لیست منابع از نظر غلط املائی، تاریخ‌ها، نقطه‌گذاری و ساختار با دقت زیاد تنظیم شود (نکوئیان، ۱۳۹۰). از مهم‌ترین شاخصه‌های ارزیابی منابع نیز می‌توان به: ۱. روزآمد و مرتبط بودن منابع مورد استناد با موضوع پژوهش، ۲. آوردن اطلاعات کتابشناختی تمام منابع مورد استناد در فهرست منابع، ۳. ذکر منابع بر اساس استانداردهای جهانی، ۴. لحاظ کردن دقت کافی در ذکر اطلاعات دقیق منابع و ۵. ذکر نشانی اینترنتی کامل و تاریخ آخرین بازدید منابع برخط، اشاره کرد.

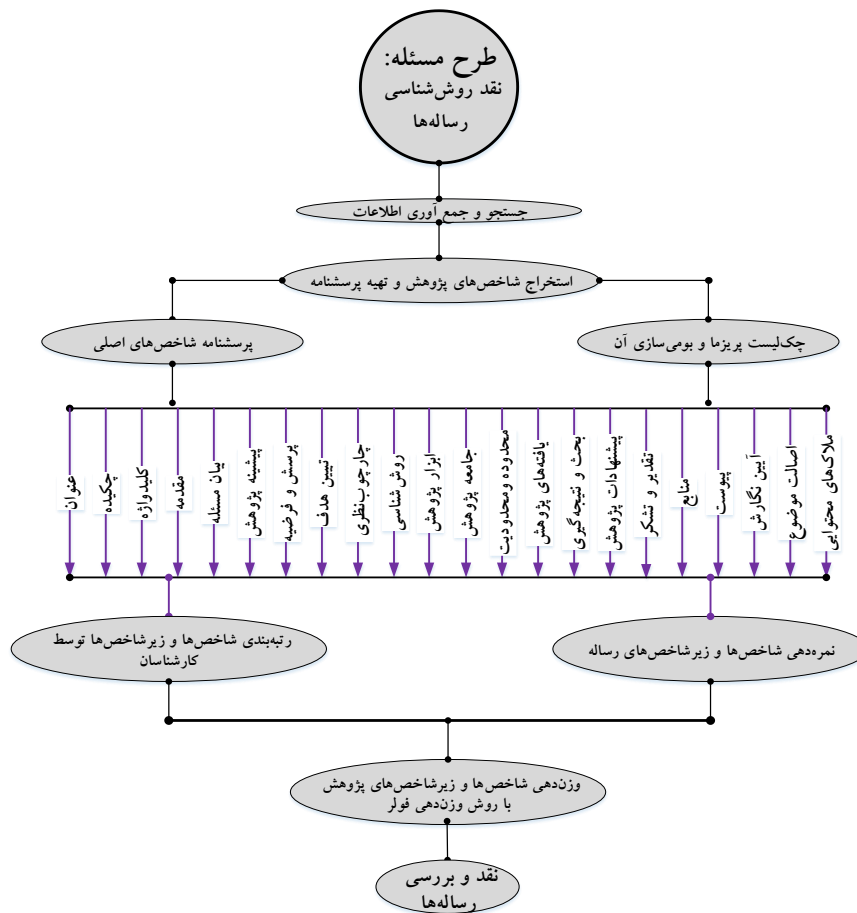
روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ رهیافت جزء تحقیقات انتقادی و با ترکیب دو شیوه اسنادی و پیمایشی انجام شده است. برای دستیابی به چارچوب نظری، شفاف‌سازی ماهیت تحقیق علمی، آگاهی از پیشینه پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها، طبقه‌بندی، توصیف و تحلیل آن‌ها، از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر رساله‌های رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با تأکید بر توسعه شهری دانشگاه‌های سراسری شهر تهران (دانشگاه تهران، تربیت مدرس و دانشگاه خوارزمی)، با تعداد ۱۶ مورد رساله مابین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۹۴ است.

1. Holmes

در این پژوهش در ابتدا پس از مشخص کردن جامعه آماری و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، با توجه به چک‌لیست بیانیه پریزما و بومی‌سازی آن، شاخص‌های مربوطه توسط ۲۰ نفر از اساتید و دانشجویان دکتری که با مسائل روش‌شناسی آشنایی کامل داشته‌اند، بر اساس اهمیت هر شاخص امتیازی بین ۱ تا ۱۰ گرفته و سپس با روش فولر، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های مربوط وزن‌دهی و رتبه‌بندی شده و در نهایت با توجه به اهمیت هر شاخص و وزن مربوطه رساله‌های مذکور مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. لازم به ذکر است که در ابتدا وزن شاخص‌ها به دست آمده و بعد وزن زیرشاخص‌ها و در نهایت وزن نهایی در نمره خام هر یک از زیرشاخص‌ها ضرب شده است تا نمره نهایی برای هر زیرشاخص بدست آید.

چنان‌چه بیان شد، در این پژوهش از روش فولر (مثلت فولر) که یکی از مدل‌های وزن‌دهی به شاخص‌ها است (Porhinčák & Eštoková, 2012)، استفاده شده است. این روش بر جدول فولر، که برای مقایسات دوجه‌دو به کار می‌رود، استوار است. بدین ترتیب که ابتدا جدولی تهیه می‌گردد که معیارها در سطرها و آن قرار می‌گیرند (مرشدی، ۱۳۹۱). بعد از تشکیل این جدول، معیارها دوجه‌دو باهم مقایسه شده و هر معیاری که برتری داشته باشد (برتری معیارها و شاخص‌ها نسبت به هم با توجه به نظر کارشناسان تعیین می‌شود) با علامتی خاص آن را مشخص کرده و سپس تعداد برتری‌های هر معیار (عامل) شمارش شده و در ستون دیگری یادداشت می‌گردد. در مرحله سوم به هر یک از معیارها و شاخص‌ها بر اساس تعداد برتری‌ها، امتیاز تعلق گرفته و در ستون دیگری از جدول مزبور ثبت می‌گردد. در مرحله چهارم بر اساس امتیاز به دست آمده از هر معیار، آن را نرمال می‌کنیم تا وزن هر یک از معیارها به دست آید. در مرحله پنجم، وزن شاخص‌ها را نیز بر همین اساس محاسبه کرده و در آخر وزن هر معیار را در شاخص مورد نظر ضرب کرده تا وزن نهایی به دست آید. در نهایت می‌توان چارچوب روش‌شناسی پژوهش را همراه با معیارهای مربوطه را مطابق شکل (۱)، ارائه داد.



شکل ۱. چارچوب روش‌شناسی پژوهش، همراه با معیارهای اصلی آن

بحث و یافته‌ها

چنانچه در جدول ۱ قابل مشاهده است، جامعه آماری پژوهش شامل ۱۶ رساله در زمینه توسعه شهری می‌باشند که تعداد ۹ مورد آن مربوط به دانشگاه تهران، ۲ مورد مربوط به دانشگاه تربیت مدرس، و ۴ مورد آن مربوط به دانشگاه خوارزمی است که مشخصات کامل هر یک آورده شده است. لازم به ذکر است دانشگاه‌های دولتی دیگر تهران فاقد رساله‌ای در این زمینه می‌باشند.

جدول ۱ مشخصات کامل رساله‌های مورد بررسی پژوهش حاضر

ردیف	عنوان	دانشگاه	سال
۱	نقش دگرگونی سازمان فضایی شهر سبزوار بر توسعه شهر معاصر	تهران	۱۳۹۲
۲	مکانیسم های توسعه شهری در استان ایلام با تأکید بر تبیین نقش دولت	تهران	۱۳۷۸
۳	روند توسعه شهر مشهد و اثرات آن بر اکولوژی شهر	تهران	۱۳۷۹
۴	مدل‌سازی توان اکولوژیک توسعه شهری، (حاشیه شهر قزوین)	تهران	۱۳۸۹
۵	ارزیابی توسعه شهری با روش جای پای اکولوژیک	تهران	۱۳۹۱
۶	الگوی سازی پایداری توسعه شهر میانی سبزوار	تهران	۱۳۸۹
۷	مدل‌سازی توسعه شهری و گردشگری در چارچوب پایداری شهر کلاردشت	تهران	۱۳۸۶
۸	تبیین نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران	تهران	۱۳۷۹
۹	بررسی تأثیرات گشت و صنعت بر توسعه شهر نوبنیاد پارس‌آباد	تهران	۱۳۸۸
۱۰	توسعه شهری و چالش‌های اجتماعی اشتغال زنان در شهر کابل	تهران	۱۳۸۹
۱۱	ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری، پژوهشی موردی: شهر قم	تربیت مدرس	۱۳۷۸
۱۲	احیاء بافت قدیم و توسعه شهری بافت‌ها، مسکن، مکتب، مکتب	تربیت مدرس	۱۳۷۵
۱۳	بافت‌های فرسوده شهر بوشهر و توسعه درون‌شهری	خوارزمی	۱۳۸۹
۱۴	اصالت بخشی بافت‌های فرسوده شهرها در فرایند توسعه شهری، محله مفت آباد	خوارزمی	۱۳۹۰
۱۵	توسعه فضایی کلان‌شهر کرج بر مبنای شهر اکولوژیک	خوارزمی	۱۳۹۲
۱۶	تحلیل فضایی توسعه ترکیبی کاربری‌ها و زوال بخش مرکزی شهر شیراز	خوارزمی	۱۳۹۳

تعیین معیارهای مربوطه هر پژوهش از ابتدایی ترین و مهم‌ترین فرایند تحقیق است. در این پژوهش ابتدا معیارهای روش‌شناسی پژوهش از طریق چک‌لیست ۲۷ آیتمی بیانیه پریزما به‌دست‌آمده و سپس این معیارها و زیر معیارها چنان‌چه در جدول (۲)، مشخص است، بومی‌سازی شده است. چنان‌چه مشاهده می‌شود این معیارها با توجه به وزنی که به دست آورده‌اند اولویت‌بندی شده‌اند.

جدول ۲ معیارهای روش‌شناسی پژوهش

نمره کارشناسان و شاخص	وزن
بیان مسئله	0/083
پرسش‌های پژوهش	0/080
روش‌شناسی	0/076
یافته‌ها	0/072
بحث و نتیجه‌گیری	0/069
فرضیه‌های پژوهش	0/065
اصالت موضوع	0/062
چارچوب نظری و مدل مفهومی	0/058
تبیین هدف	0/054
ملاک‌های محتوایی	0/051
عنوان	0/047
پیشینه پژوهش	0/043
منابع	0/040
ابزار پژوهش (ابزار آزمون)	0/036
چکیده	0/033
مقدمه	0/029
آیین نگارش	0/025
پیشنهادها	0/022
جامعه پژوهش	0/018
محدوده و محدودیت‌ها	0/014
کلیدواژه‌ها	0/011
پیوست‌ها	0/007
تقدیر و تشکر	0/004

چنان‌چه در جدول ۲، ملاحظه می‌شود، با توجه به نظر کارشناسان، به ترتیب شاخص بیان‌مسأله، پرسش‌های پژوهش، روش‌شناسی و یافته‌ها بیشترین امتیاز و شاخص تقدیر و تشکر، پیوست، کلیدواژه و محدوده و محدودیت‌های پژوهش کمترین امتیاز را بدست آورده‌اند.

با توجه به جدول ۳، در فرایند پژوهش، ابتدا شاخص‌های پژوهش و همچنین نمراتی که هر یک از شاخص‌های مربوطه در رساله‌های مورد بررسی کسب کرده‌اند، آورده شده است. سپس هر رساله با توجه به نمره‌ای که در هر یک از شاخص‌های مربوطه حاصل کرده مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در نهایت نیز برای ارزیابی هر شاخص، زیرشاخص‌هایی مربوطه را که به صورت کد در زیر هر یک از شاخص‌ها مشخص شده‌اند با توجه به این‌که نویسندگان در رساله خود مورد توجه یا غفلت قرار داده‌اند مورد نقد و بررسی قرار گرفته شده است.

جدول ۳. شاخص‌های اصلی روش‌شناسی پژوهش و نمرات نهایی کسب شده هر شاخص

شاخص / کد رساله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
(۱) عنوان	0/30	0/25	0/08	0/16	0/61	0/29	0/51	0/35	0/36	0/56	0/31	0/09	0/12	0/47	0/48
(۲) چکیده	0/40	0/25	0/01	0/20	0/71	0/26	0/55	0/46	0/34	0/33	0/19	0/06	0/13	0/58	0/53
(۳) کلیدواژه‌ها	0/29	0/20	0/01	0/19	0/45	0/17	0/14	0/35	0/19	0/32	0/25	0/08	0/12	0/37	0/39
(۴) مقدمه	0/32	0/24	0/09	0/18	0/55	0/25	0/58	0/42	0/39	0/56	0/33	0/07	0/10	0/55	0/42
(۵) بیان مسئله	0/32	0/25	0/07	0/13	0/44	0/33	0/41	0/31	0/20	0/35	0/21	0/09	0/10	0/29	0/24
(۶) پیشینه پژوهش	0/30	0/27	0/07	0/22	0/59	0/27	0/34	0/32	0/26	0/46	0/32	0/15	0/10	0/48	0/50
(۷) پرسش‌های و فرضیه‌های پژوهش	0/38	0/33	0/11	0/03	0/80	0/28	0/64	0/46	0/58	0/65	0/36	0/17	0/12	0/58	0/66
(۸) تبیین هدف	0/41	0/33	0/11	0/28	0/78	0/38	0/73	0/49	0/55	0/65	0/30	0/17	0/13	0/44	0/65
(۹) چارچوب نظری و مدل مفهومی	0/37	0/23	0/09	0/20	0/57	0/27	0/60	0/45	0/29	0/10	0/12	0/12	0/09	0/47	0/39
(۱۰) روش‌شناسی	0/24	0/22	0/09	0/23	0/67	0/27	0/54	0/41	0/28	0/34	0/09	0/14	0/11	0/44	0/34
(۱۱) ابزار پژوهش	0/40	0/31	0/11	0/20	0/64	0/22	0/62	0/48	0/32	0/39	0/16	0/10	0/08	0/51	0/42
(۱۲) جامعه پژوهش	0/37	0/33	0/01	0/25	0/68	0/31	0/45	0/45	0/39	0/48	0/28	0/14	0/14	0/54	0/54
(۱۳) محدوده و محدودیت‌ها	0/33	0/30	0/11	0/21	0/71	0/42	0/73	0/48	0/44	0/57	0/38	0/18	0/13	0/72	0/65
(۱۴) یافته‌ها	0/32	0/31	0/11	0/22	0/66	0/41	0/72	0/48	0/48	0/60	0/40	0/15	0/12	0/65	0/65
(۱۵) بحث و نتیجه‌گیری	0/31	0/30	0/09	0/22	0/61	0/34	0/60	0/47	0/39	0/49	0/33	0/13	0/12	0/63	0/44
	0/29	0/29	0/08	0/25	0/65	0/34	0/52	0/39	0/42	0/50	0/28	0/14	0/10	0/42	0/46

پیشنهاها	0/02	0/02
تقدیر و تشکر	0/02	0/03
منابع	0/32	0/30
پیوست‌ها	0/01	0/01
آیین نگارش	0/31	0/53
اصالت موضوع	0/31	0/53
ملاک‌های محتوایی	0/31	0/39

هر یک از شاخص‌های مربوطه با توجه به وزن نهایی که کسب کرده‌اند در رساله‌های مورد نظر مشخص شده‌اند (جدول ۳).

در ادامه به نقد و بررسی هر یک از شاخص‌های مورد نظر و این‌که در رساله‌های مورد نظر تا چه اندازه این شاخص‌ها مورد توجه واقع شده‌اند، پرداخته شده است. لازم به ذکر است برای جلوگیری از اطاله کلام و حجم زیاد شاخص‌های پژوهش، تنها شاخص (بیان مسأله، پیشینه پژوهش، چارچوب نظری/مدل مفهومی، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش)، آورده شده است.

• بیان مسأله

در بیان مسأله، رساله‌های با کد ۷، ۸ و ۱۳ دارای ویژگی‌های بهتری و همچنین رساله‌های با کد ۳ و ۴ دارای نقاط ضعف بیشتری می‌باشند. در این قسمت نیز به زیر شاخص‌های (۱) و (۵)، توجه کمتر و به شاخص (۸)، توجه بیشتری شده است.

• پیشینه پژوهش

قابل ذکر است که رساله‌های با کد ۱۳، ۱۴ و ۸ دارای بیشترین ویژگی و رساله‌های ۳، ۱۱ و ۴ دارای کمترین ویژگی در این زمینه می‌باشند. در قسمت زیر شاخص‌ها، زیرشاخص (۲ و ۸)، مورد غفلت واقع شده در صورتی که زیرشاخص (۲۰، ۹ و ۱)، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است.

• چارچوب نظری و مدل مفهومی

در این زمینه باید ذکر شود که رساله‌های با کد ۷، ۸ و ۱۴ بیشتر ویژگی‌های ذکر شده را دارا می‌باشند در صورتی که رساله‌های با کد ۳، ۵ و ۶ کمترین ویژگی در زمینه‌ی چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش را دارا هستند. لازم به ذکر است که کد ۳ در اکثر رساله‌ها مورد غفلت واقع شده در صورتی که به مورد هفتم توجه بیشتری شده است.

• روش‌شناسی مورد استفاده و تبیین راهبرد پژوهش

در روش‌شناسی پژوهش رساله‌های با کد ۸، ۷ و ۱۴ دارای بیشترین امتیاز و رساله‌های با کد ۹، ۳ و ۲ دارای کمترین امتیاز و ویژگی‌های مورد نظر می‌باشند. در قسمت روش‌شناسی به موارد (۲ و ۱۱)، توجه کمتری شده و به کد (۱۲ و ۹)، توجه بیشتری شده است.

• یافته‌های توصیفی و تحلیلی

ویژگی‌های یافته‌های پژوهش در رساله‌های با کد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ دارای بیشترین امتیاز و در رساله‌های با کد ۵، ۳ و ۱۶ دارای کمترین امتیاز می‌باشند. در بخش یافته‌ها باید ذکر شود که زیرشاخص اول از نقاط ضعف این رساله‌ها می‌باشد در این قسمت موارد (۱ و ۵)، مورد غفلت واقع شده‌اند در صورتی که به موارد سوم و چهارم توجه بیشتری شده است.

نتیجه‌گیری

مسئله توسعه شهری امروزه از مباحث بسیار مناقشه برانگیز محافل علمی کشور در سال‌های اخیر بوده است، چرا که یکی از مهم‌ترین مشکلات به وجود آمده در کشورهای در حال توسعه، رشد و توسعه شتابان و ناهمگون شهرنشینی بوده است. همچنین یکی از مهم‌ترین ضعف‌ها در نگارش رساله‌های دکتری، فرایند روش‌شناسی رساله‌ها می‌باشد که با توجه به چنین مناقشه‌ای، در نوشتار حاضر مهم‌ترین شاخص‌های روش‌شناسی رساله‌های دانشگاه‌های تهران مورد نقد و بررسی قرار گرفته شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که:

- از نظر کارشناسان مهم‌ترین شاخص‌های روش‌شناسی پژوهش به ترتیب شامل: بیان مسئله، پرسش‌های پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری، فرضیه‌های پژوهش، اصالت موضوع، چارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق می‌باشند.
- با توجه به یافته‌ها، در رساله‌های مورد بررسی به ترتیب شاخص منابع، تبیین هدف، آیین نگارش و بیان مسئله نمره بالاتری را بدست آورده‌اند که لازم است به دیگر شاخص‌ها بخصوص روش‌شناسی، پرسش‌های پژوهش، چارچوب نظری و مدل مفهومی نیز توجه بیشتری شود.



- مهم‌ترین نقاط ضعف اکثر رساله‌ها این است که خروجی مسأله در بیان مسأله به سوال نخستین منجر نشده و همچنین به علمی شدن مسأله توجه کمتری شده است، رویکرد نویسندگان در تدوین پیشینه پژوهش به هیچ‌وجه انتقادی نیست. همچنین فرایند تبدیل سؤال نخستین به سؤال علمی در پیشینه رعایت نشده است و در نهایت دستیابی به چارچوب نظری و یا تجربی برای مسأله تحقیق در آنها دیده نشده است. در مورد سوالات و فرضیات پژوهش باید گفت که در بعضی از رساله‌ها سوالات پژوهش نتوانسته‌اند با هم ارتباط برقرار کنند و از سویی فرایند فرضیه‌سازی و همچنین آزمون‌پذیری فرضیات مورد شک است. در چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش نیز اکثر رساله‌ها دارای ضعف‌های اساسی می‌باشند، چرا که پارادایم‌ها، رهیافت‌ها، نظریه‌ها و الگوها و مدل‌های مرتبط تفسیرکننده سؤالات، موردنقد قرار داده نشده و با استدلال بیان نشده است، خروجی چارچوب نظری به فرضیه‌ها منجر نشده و در انتها نمودار شماتیک چارچوب نظری به درستی یا ارائه نشده و یا اصلاً رسم نشده است. در مورد شاخص روش‌شناسی باید متذکر شد که به حوزه فکری مسلط بر علوم برنامه‌ریزی توجه نشده است. همچنین به رویکردهای ترکیبی در این رساله‌ها توجه نشده و بیشتر رساله‌ها با رویکرد کمی نگاشته شده‌اند. در تعدادی از رساله‌ها میزان روایی و پایایی ابزار استفاده شده به طور روشن بیان شده است. در مورد یافته‌های پژوهش باید گفت که دستیابی به دکترین رساله با یافته‌های پژوهش مورد شک و ابهام می‌باشد و باید توجه بیشتری به این مهم شود. از دیگر نقاط ضعف رساله‌های مورد بررسی این است که نویسندگان در این بخش به مبانی نظری تحقیق (دکترین) نرسیده‌اند یا با ضعف‌هایی همراه می‌باشند. همچنین برخی نویسندگان نتوانسته‌اند نگاه تحلیلی خود را وارد نتیجه‌گیری کنند. از سویی مدل تئوری به درستی تحلیل و ارائه نشده است. در نهایت نیز در این بخش به طرح افق‌های تحقیقاتی برای ادامه و توسعه تحقیق پیشنهاد نشده است. در مورد شاخص اصالت موضوع لازم به ذکر است که اکثر این رساله با تفکر انتقادی نگارش نشده‌اند و به این مورد نیز باید توجه ویژه‌ای شود. از آنجایی که ملاک‌هایی محتوایی دارای ارزشمندی کیفی است باید گفت که رساله‌های مورد بررسی در این زمینه نیز دارای ایرادات اساسی می‌باشند و چنان‌چه باید نتوانسته‌اند معیارهای این مورد را به نحو احسن رعایت کنند. همچنین لازم به ذکر است که رساله‌های قدیمی‌تر با رویکردی کیفی و در عوض رساله‌های جدیدتر با رویکرد کمی نگاشته شده‌اند و این خود باید مورد توجه واقع شود که رویکردهای کیفی و به خصوص ترکیبی باید مدنظر بیشتری در آینده قرار گیرد.

- در آخر می‌توان گفت که رساله‌های با کد ۷، ۸، ۱۳ و ۱۴، با توجه به یافته‌های پژوهش توانسته‌اند فرایند روش‌شناسی پژوهش را به نحو بهتری نسبت به دیگر رساله‌ها رعایت کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود درس روش‌شناسی در کلیه مقاطع جدی گرفته شود و تدریس آن به عهده متخصصان روش‌شناسی گذاشته شود، دوم این‌که در هیأت ژوری رساله‌ها حتماً یک نفر متخصص روش‌شناسی حضور یابد تا رساله‌ها مبتنی بر تفکر علمی، که نظام یافته و هدف آن شناخت است، استوار شود. در این چارچوب دو برداشت، که مکمل یکدیگر هستند، مطرح است: نخست، به علم به عنوان یک فرآیند تحقیق توجه می‌شود؛ یعنی به عنوان شیوه‌ای برای پاسخگویی به پرسش‌ها، حل مسائل و توسعه شیوه‌های موثرتر برای پاسخگویی به پرسش‌ها و حل مسائل. از سوی دیگر توجه به علم به عنوان فرایندی که دربرگیرنده شناخت‌ها، از طریق نظریه‌سازی، آزمون نظریه و ارزیابی‌های منظم است در رساله‌ها تأکید راهبردی شود. بنابراین توجه به فلسفه علم روش‌شناسی جغرافیا و برنامه‌ریزی که یک معرفت‌شناسی است و مطالعه امکان‌های دستیابی به شناخت ماهیت و چیستی این علم را بیان می‌کند و آن یک غایت‌شناسی و دارای هدف کلان است، و به توصیف و تجزیه و تحلیل مسایل جغرافیا و برنامه‌ریزی به یاری روش علمی، به همان صورتی که هست می‌پردازد، یک ضرورت انکارناپذیر است. از این رو جدی گرفتن فلسفه علم جغرافیا و برنامه‌ریزی (علم علم) که ترکیبی از منطق و روش‌شناسی است، و از روش‌شناسی علمی و ارزیابی از درون و بیرون با شیوه کمی و کیفی، قیاسی و استقرایی و... استفاده می‌کند تا به نوعی از طریق شناخت‌شناسانه و روش‌شناسی، جایگاه این علم را در میان علوم، جامعه و مدیریت و برنامه‌ریزی مشخص کند و همچنین به تبیین چیستی و ماهیت علم جغرافیا و برنامه‌ریزی بپردازد، بیش از هر مسأله دیگر حیاتی است.



منابع

- ارشاد، فرهنگ، «جایگاه نقد در آموزش علوم اجتماعی: بستری برای توسعه علمی فرهنگی»، فصل‌نامه علوم/انسانی، شماره ۱۷، صص ۳۳-۷، ۱۳۸۷.
- افتخاری، عبدالرضا، «چالش‌های روش‌شناسی برنامه‌ریزی کالبدی روستایی»، اولین همایش ملی توسعه پایدار کالبدی - فضایی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، اردبیل، دوم و سوم تیر ماه، ۱۳۹۳.
- افتخاری، عبدالرضا، «واکوی و رهیافت توسعه‌ای به تعریف جغرافیا از دیدگاه پاپلی‌یزدی»، جشن‌نامه (به افتخار بازنشستگی دکتر محمدحسین پاپلی‌یزدی)، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ اول، صص ۵۸۱-۵۶۹، ۱۳۸۹.
- افتخاری، عبدالرضا، بدری، سیدعلی، پورطاهری، مهدی، «روش‌شناسی مشارکتی در برنامه‌ریزی کالبدی سکونت‌گاه‌های روستایی»، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (معاونت عمران روستایی)، چاپ دوم، تابستان ۱۳۹۳.
- افتخاری، قاسم، «بررسی روش‌شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران»، مجله پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره ۵، صص ۲۱-۱، ۱۳۹۰.
- آقای‌زاده، اسماعیل، «صالت‌بخشی بافت‌های فرسوده شهرها در فرایند توسعه شهری (محلۀ مفت‌آباد منطقه ۱۳ تهران)»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۰.
- بهنام مرشدی، حسن، «برنامه‌ریزی فضایی خدمات گردشگری استان فارس (نمونه موردی: محورهای اصلی استان فارس)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی توریزم با راهنمایی دکتر حسنعلی فرجی سبکبار، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، زمستان، ۱۳۹۱.
- پناهی، رجب، «بررسی تأثیرات کشت و صنعت بر توسعه شهر نوین پارس/آباد»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸.
- پورخباز، حمیدرضا، «مدل‌سازی توان اکولوژیک توسعه شهری (مطالعه موردی: حاشیه شهر قزوین)»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۹.
- جهانی‌شکیب، فاطمه، آل‌محمد، سیده، صالحی، اسماعیل، «انطباق‌پذیری راهبرد توسعه شهری در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران (نمونه مورد مطالعه: شهر شاهرود)»، فصل‌نامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال سوم، شماره نهم، صص ۶۲-۴۷، ۱۳۹۳.

- حاتمی‌نژاد، حسین و فرجی‌ملائی، امین، «امکان‌سنجی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری در ایران»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، بهار، دوره ۲، شماره ۸، صص ۷۶-۵۵، ۱۳۹۰.
- حسینی، سید هادی، «الگوی‌سازی پایداری توسعه شهر میانی سبزوار»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۹.
- حیدری، جهانگیر، «بافت‌های فرسوده شهر بوشهر و توسعه درون‌شهری»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۸۹.
- خاکی، غلامرضا، «روش تحقیق با تاکید بر پایان‌نامه‌نویسی»، تهران، بازتاب، ۱۳۸۸.
- خنیفر، حسین، «مقدمه‌ای بر روش پژوهش با رویکرد کاربردی به رساله‌نویسی در علوم انسانی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۵۰، صص ۱۵۶-۱۲۵، ۱۳۸۶.
- دشتی، محمد، «چارچوب نظری، زوایا و بایسته‌های آن»، *مجله تاریخ در آینه پژوهش*، سال هفتم بهار، شماره ۱، صص ۴۹-۲۳، ۱۳۸۹.
- رهنما، محمدرحیم، «حیاء بافت قدیم و توسعه شهری، نمونه: بافت‌های مسکونی مرکز شهر مشهد»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
- سلطانی‌فرد، هادی، «نقش دگرگونی سازمان فضایی شهر سبزوار بر توسعه شهر معاصر»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۲.
- سیف، علی‌اکبر، «روش تهیه پژوهشنامه در روان‌شناسی و علوم تربیتی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۷۵.
- شعبانی، حبیب، «توسعه فضایی کلان‌شهر کرج بر مبنای شهر اکولوژیک»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۲.
- ضیایی، محمود، «تبیین نقش و جایگاه دولت در توسعه شهر و شهرنشینی در ایران»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹.
- عابد سعیدی، ژیلا، امیرعلی اکبری، صدیقه، «روش تحقیق در علوم پزشکی و بهداشت»، چاپ پنجم، تهران: نشر سالمی، ۱۳۹۱.
- عارف‌زاده، محمدامین، «روند توسعه شهر مشهد و اثرات آن بر اکولوژی شهر»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۹.
- عالمی، مهتاب، «توسعه شهری و چالش‌های اجتماعی اشتغال زنان در شهر کابل»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۹.

- علی‌اکبری، اسماعیل، «مکانیزم‌های توسعه شهری در استان ایلام با تأکید بر تبیین نقش دولت»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸.
- فرجام، رسول، «تحلیل فضایی توسعه ترکیبی کاربری‌ها و زوال بخش مرکزی شهر (کلان‌شهر شیراز)»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۲.
- قدمی، مصطفی، «مدل‌سازی توسعه شهری و گردشگری در چارچوب پایداری، نمونه موردی: شهر کلاردشت»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کومار، کریشان، «روش‌های پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی»، ترجمه فاطمه رها دوست و فریبرز خسروی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.
- کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک‌وان، «روش تحقیق در علوم اجتماعی»، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
- محمدنژادشورکایی، مجتبی، جشنی‌آرانی، مجتبی، یزدانی، حمیدرضا، «فراروش تحقیقات انجام‌شده در زمینه عوامل مؤثر بر رضایت مشتری: تحلیل اسنادی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی تهران»، مجله چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۶، صص ۱۶۴-۱۴۱، ۱۳۹۰.
- منصوریان، یزدان، «صد نکته در پایان‌نامه‌نویسی»، ماهنامه کتاب ماه کلیات: اطلاعات، ارتباطات و دانش، تیر، شماره ۱۵۱، صص ۹۳-۷۸، ۱۳۸۹.
- منصوریان، یزدان، «صد ویژگی یک مقاله علمی-پژوهشی خوب»، ماهنامه کتاب ماه کلیات: اطلاعات، ارتباطات و دانشنامه، شماره ۱۵۴، صص ۶۶-۷۶، ۱۳۸۸.
- موسی‌پور، نعمت‌الله، علوی، سیدحمیدرضا، «نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش»، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ۱۳۸۵.
- موسی‌کاظمی‌محمدی، مهدی، «رزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری، پژوهشی موردی: شهر قم»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- نکوئیان، علی‌اکبر، «چگونه یک مقاله علمی بنویسیم؟»، مجله جراحی استخوان و مفاصل ایران، دوره نهم، شماره ۲، بهار، صص ۹۳-۸۹، ۱۳۹۰.

- یاری دهنوی، مراد، حاتمی، عماد، «تبیین و نقد پژوهش‌های دانشگاهی آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آن‌ها»، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۳۵-۱۶۴، ۱۳۹۰.
- یلوه، مصطفی، «رزیایی توسعه شهری با روش جای پای اکولوژیک»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۱.
- Ershad, F., "The position of criticism in the instruction of the social sciences: A foundation for the development of science and culture", *Journal of humanities*, No. 17, pp. 7-33, 2013. [In Persian فارسی]
- Eftekhari, Abdolreza, "Methodological challenges of rural physical planning", The first national conference of rural spatial – physical sustainable development, Islamic Revolution Housing Foundation, Ardabil, June 23-24, 2014. [In Persian فارسی].
- Eftekhari, Abdolreza, "Survey and development approach to the defininition of geography in Papoli Yazdi's perspective", *In honor of the retirement of Prof. Mohammad Hossein Papoli Yazdi*, Isfahan University Publication, Vol. 1, pp. 569-581, 2010. [In Persian فارسی].
- Eftekhari, A., Badri, S. A., Pourtaheri, M., "Participatory methodology in physical planning of rural settlements", Islamic Revolution Housing Foundation, Vol. 2, 2014. [In Persian فارسی].
- Eftekhari., G., "A methodological survey of Ph.D. theses in the departments of political science and international relations at University of Tehran", *Iranian political science association*, Vol. 2, No. 1, pp. 1-13, 2011. [In Persian فارسی].
- Aghaeizadeh, E., "Authenticating urban worn out textures in urban development process (Moftabad neighborhood, Tehran 13th District)", PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, (2011). [In Persian فارسی].
- Behnam Morshedi, H., "Spatial planning of tourism services (Case study: the main roads of Fars province)", Master Thesis of tourism planning, Faculty of geography, University of Tehran, 2013. [In Persian فارسی].
- Panahi, R., "Investigating the effects of culture and industry on the development of Nobonyad Parsabad City", PhD thesis of geography



- and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2009. [In Persian فارسی].
- Porkhabbaz, H., “*Modeling ecologic potential of urban development, Case study: Suburbs of Qazvin*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2010. [In Persian فارسی].
 - Jahani Shakib, F., Alemohammad, S., Salehi, E. “Adaptation of urban development strategy in Iran urban planning system, (Case study: Shahroud)”, *Journal of geography and environmental studies*, Vol. 3, No. 9, pp. 47-62, 2015. [In Persian فارسی].
 - Hatemi Nezhad, H., Faraji Molaeih, A., “Feasibility of implementing City Development Strategy (CDS) in Iran”, *Journal of urban - regional studies and research*, Vol. 2, No.8, pp. 55-76, 2011. [In Persian فارسی].
 - Hoseini, S. H., “*Modeling development sustainability in Sabzevar*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2011. [In Persian فارسی].
 - Heydari, J. “*Urban worn out textures of Bushehr and brownfield redevelopment*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2011. [In Persian فارسی].
 - Khaki, G., “*The research methodology with emphasis on thesis writing*”, Tehran: Baztab, 2010. [In Persian فارسی].
 - Khanifar, H., “An introduction to research method with an applied approach to thesis writing in humanities”, *Methodology of humanities*, Vol. 13, No. 13, pp. 125-156, 2008. [In Persian فارسی].
 - Dashti, M., “The theoretical framework, aspects and necessities”, *Journal of tarikh dar ayene-ye pazhohesh*, Vol. 7, No. 1, pp. 23-49, 2011. [In Persian فارسی].
 - Rahnama, M., “*Restoration of historic textures and urban development, Case study: residential areas of the Mashhad downtown*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of humanities, Tarbiat Modares University, 1997. [In Persian فارسی].
 - Soltani Fard, H., “*The role of transformation of Sabzevar spatial organization on the contemporary development of the city*”, PhD

- thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2014. [In Persian فارسی].
- Seif, A., “*The method of bulletin preparation in Psychology and Educational Sciences*”, Islamic Azad University, Rodehen Branch, 1997. [In Persian فارسی].
 - Shabani, H., “*Spatial development of Karaj metropolitan based on ecologic city*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2014. [In Persian فارسی].
 - Ziaei, M., “*Explaining the role of government in the development of cities and urbanization in Iran*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2002. [In Persian فارسی].
 - Abed Saeidi, Z., Amirali Akbari, S., “*Research method in medical sciences and healthcare*”, Vol. 5, Tehran: Salemi Publisher, 2012. [In Persian فارسی]
 - Arefzadeh, M., “*Mashhad’s development process and its effects on the ecology of the city*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2002. [In Persian فارسی].
 - Alemi, M., “*Urban development and social challenges in women occupation in Kabul*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2012. [In Persian فارسی].
 - Ali Akbari, E., “*Mechanisms of urban development in Ilam province with emphasis on clarifying the role of government*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2010. [In Persian فارسی].
 - Farjam, R., “*Spatial analysis of mixed land use development and deterioration of the downtown, Shiraz metropolis*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of humanities, Kharazmi University, Tehran, 2013. [In Persian فارسی].
 - Ghadami, M., “*Sustainable urban development and tourism modeling, Case study: Kelardasht*”, PhD thesis of geography and



urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2008. [In Persian فارسی].

- Koumar, K., “*Research methods in librarianship and Information Science*”, Translate by Fatemeh Rahadost and Fariborz Khosravi, National Library of the Islamic Republic of Iran, 1996. [In Persian فارسی].
- Kivi, R., Kompond, L. “*Research methods in social science*”, Translate by Abdolhossein Nik Gohar, Tehran: Farhang Moaser, 1992. [In Persian فارسی].
- Mohammad Nezhad Shorkayi, M., Jashni Arani, M., Yazdani, H., “A meta-analysis on the research on the effective factors on customer satisfaction: Document analysis of master and PhD theses in public universities in Tehran”, *Journal of Business Management*, Vol. 10, No. 6, pp. 141-164, 2011. [In Persian فارسی].
- Mansoriyan, Y., “One hundred tips in thesis writing”, *Ketab Mahe Koliyat: information, communication and Encyclopedia magazine*, No. 151, pp. 78-93, 2011. [In Persian فارسی]
- Mansoriyan, Y., “One hundred features of a good scientific article”, *Ketab Mahe Koliyat: information, communication and Encyclopedia magazine*, No. 154, pp. 66-76. 2010. [In Persian فارسی].
- Mousapour, N., Alavi, S. H., “*Scientific writing: A guide to writing articles, dissertations, theses and research reports*”, University of Shahid Bahonar, Kerman, 2007. [In Persian فارسی]
- Mousa Kazemi Mohammadi, M., “*Evaluation of sustainable development in urban development research*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, 2010. [In Persian فارسی].
- Nekoian, A., “How to write a scientific paper”, *Iranian journal of irthopedic surgery*, Vol. 9, No. 2, pp. 89-93, 2011. [In Persian فارسی].
- Yari Dehnavi, M., Hatami, E., “Explanation and critique of academic research on teaching philosophy to children in terms of methodology and results”, *Thought and child, Institute of humanities and cultural studies*, Vol. 2, No. 1, 2011. [In Persian فارسی].

- Yalveh, M., “*Assessment of urban development with ecological footprint*”, PhD thesis of geography and urban planning, Faculty of geography, University of Tehran, Tehran, 2013. [In Persian فارسی].
- Bordage, G., “Considerations in preparing a publication paper”, *Teaching and learning in medicine*, Vol. 1, No. 1, pp. 47-52, 1989.
- Bredan A. S., Van Roy, F., “Writing readable prose: when planning a scientific manuscript, flowing a few simple rules has large impact”, *Embo rep*, No. 7, Vol. 9, pp. 846-849, 2006.
- Harding, S., “Introduction: Is there a feminist method?”, In Harding, S., (Ed), *Feminism and Methodology: Social Science Issues*, pp. 1-14, Bloomington: Indiana University Press, 1987.
- Holmes, Dr. Jr., Hodgson, P. K., Nishimura, R. A., Simari R. D., “Manuscript preparation and publication”, *Circulation*, No. 120, Vol. 10, pp. 906-913, 2009.
- Lambert V. A., Lambert C. E., Tsukahara, M., “Basic tips about writing a scholarly manuscript”, *Nurs health sci.*, No. 5, Vol. 1, pp. 1-2, 2003.
- Liberati, A., Altman, D.G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P. C., Ioannidis, J. P., “Preferred reporting items for systematic reviews and meta-analyses: the PRISMA statement”, *BMJ*, 339, b2535, 2009.
- McGaghie, W. C., Bordage, G., Shea, J., “Problem statement, conceptual framework, and research question”, *Acad Med*, No. 76, pp. 923-924, 2001.
- Ortega, A. R., MacGregor Fors, I., “Dusting off the file: A review of knowledge on urban ornithology in Latin America”, *Journal of landscape and urban planning*, 2011.
- Porhinčák, M., Eštoková, A., “Process of selection of building materials towards sustainable development”, *Chemical engineering transactions*, pp. 547-552, 2012.
- Schwandt, T., “*Dictionary of qualitative inquiry*”, 2nd Ed., Thousand Oaks, CA: Sage. pp. 161, 2001.
- Writing a literature review in health sciences and social work. Toronto: University of Toronto, 2000.